

دوماهنامه علمی- پژوهشی

د، ش ۳ (پیاپی ۵۱)، مرداد و شهریور ۱۳۹۱، صص ۱۶۹-۱۴۹

طرح روش تحقیق جهت کاربست نظریه استدلال تولمین در سبک‌شناسی، تحلیل گفتمان، و زبان‌شناسی حقوقی

ابوالفضل مزینانی^۱، سحر فصیری^۲

۱. دکتری زبان‌شناسی، مدرس گروه زبان انگلیسی پردیس شهید بهشتی مشهد، دانشگاه فرهنگیان، مشهد، ایران.
۲. دانشآموخته کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی دانشگاه تهران، ایران.

دریافت: ۹۶/۱۲/۹
پذیرش: ۹۷/۳/۲

چکیده

ساختار درونی استدلال، به لحاظ سنتی، از یک یا چند مقدمه، یک یا چند برهان یا روش استقرایی و تنها یک نتیجه (ادعا) تشکیل می‌شود؛ مباحثه استدلالی، معمولاً با طرح داده‌هایی درست یا غلط آغاز می‌شود، و با ارائه دلیل و برهان اوج می‌گیرد و به نتیجه‌گیری یا ادعا، ختم می‌شود. در این فرایند دستکم دو نفر مخالف و موافق نتیجه‌گیری‌ها درگیرند که تلاش می‌کنند بر دیگری فائق آیند. تولمین با ملاحظه این فرایند استدلالی و مذاقه در نظریه‌پردازی فلاسفه نسیگرا و مطلق‌گرا در این خصوص، به ارائه مدلی شش- مؤلفه‌ای دست یازید که از برخی جنبه‌ها مطلق‌گرا و از برخی دیگر نسیگرایانه است. در مدل او، استدلال دارای اجزای ادعا، برهان، داده‌های حقیقی، شاخص‌های قطعیت، پشتوانه، و ردیه است که سه مورد اول، لازم، و سه مورد آخر، اختیاری هستند. با گذر زمان، زمزمه‌های ظرفیت کاربرد این مدل در مسائل زبان- شناختی و تحلیل گفتمانی به گوش رسید. در همین راستا، با توجه به فقدان روش تحقیقی سامان‌یافته در این زمینه، در پژوهش حاضر با طراحی چند هدف و سؤال پژوهشی، روش تحقیقی پیشنهاد شد تا بتوان از توان تحلیلی مدل تولمین در حوزه‌های سبک‌شناسی، زبان‌شناسی حقوقی و تحلیل گفتمان بهره گرفت. هدف اصلی روش تحقیق پیشنهادی «شناخت سبک استدلال‌ورزی نویسنده منتخب در اثری گزیده از او» است که به‌تبع آن، دارای ۵ پرسش پژوهشی است. کاربست این روش روی سه متن از ژانرهای مختلف شنان داده شد که عبارت‌اند از شعری از اعتضامی با عنوان «فرشته انس»، نمونه‌ای از لوایح دفاعی، و سخنرانی سیاسی ترامپ در باب سیاست خارجی امریکا پیش از انتخاب به ریاست جمهوری.

واژه‌های کلیدی: روش تحقیق، نظریه استدلال تولمین، سبک استدلال‌ورزی، تحلیل گفتمان حقوقی.

E-mail: Mazinani3849@gmail.com

* نویسنده مسئول مقاله:

۱. مقدمه

نظریه استدلال^۱ یا استدلال‌ورزی، مطالعه‌ای بین‌رشته‌ای است و به این مسئله می‌پردازد که چگونه از طریق استنتاج منطقی^۲ می‌توان به نتیجه خاصی رسید. استنتاج منطقی بدين معناست که ادعاهایی، چه صحیح چه غلط، مبتنی بر مقدمه‌هایی مطرح شود. این فرایند در علوم انسانی، مناظره‌های مدنی، مباحثه و گفت‌وگو کاربرد داشته و هدف از آن غالباً اقناع مخاطب و دفاع از اعتقادات و یا منافع طرفین است.

استدلال در رایج‌ترین شکل آن، شامل یک فرد حامی و یک فرد مخالف درگیر در گفت‌وگوست، به نحوی که هر کدام تلاش می‌کنند تا یکدیگر را مقاعد کنند. انواع دیگر گفت‌وگو علاوه بر اقناع، مناظره، پرس‌وجو، مذکره، مشورت و روش دیالکتیکی است. در دیدگاه سنتی، ساختار داخلی استدلال از یک یا چند فرض (مقدمه)، یک روش استدلالی، و تنها یک نتیجه (ادعا) به شرح زیر تشکیل می‌شود:

- یک یا چند فرض یا مقدمه
- استفاده از یک روش استدلالی منطقی (استقراء، قیاس، و ...)
- یک نتیجه یا ادعا.

نظریه استدلال ریشه‌های خود را از بنیادگرایی^۳ - که از نظریه‌های معرفت‌شناسی دانش در حوزهٔ فلسفه محسوب می‌شود - گرفته است. بنیادگرایی به دنبال پیدا کردن مبانی ادعاهای مطرح در صورت (منطق) و محتوا (قواینی واقعی) یک نظام جهانی دانش است؛ اما متخصصان حوزهٔ استدلال به تدریج فلسفهٔ سیستماتیک ارسطو و ایده‌آلیسم افلاطونی و کانتی را رد کردند. آن‌ها این ایده را که مقدمات و مواضع استدلالی رسمیت و صحت خود را از سیستم‌های صوری فلسفی می‌گیرند، به چالش کشیدند و درنهایت کنار گذاشتند. از این رو، حوزهٔ استدلال گسترش یافت (Gronbeck, 1980: 10-11).

امروزه، گسترهٔ مطالعات استدلالی به حدی است که نفوذ آن در حوزه‌های زیر به وضوح بیده می‌شود: الف) مباحث حقوقی: استدلال‌ورزی در دفاع از یک متهم یا محکوم کردن او در دادگاه، و نیز در سنجش اعتبار شواهد و مدارک خاص کاربرد دارد؛ ب) تصمیم‌گیری‌های سیاسی و قانون‌گذاری: محققان و نظریه‌پردازان در این حوزه به بررسی توجیه‌های فراغلاني

آن دسته از فعالان سیاسی/ اجتماعی می‌پردازند که سعی می‌کنند تصمیم‌های گذشته خود را توجیه کنند.

ذکر همین دو حوزه پیش‌گفته کافی است که ارتباط مطالعات استدلال‌ورزی را با حوزه‌های زبان‌شناختی سبک‌شناسی، تحلیل مکالمه، تحلیل گفتمان، و زبان‌شناسی حقوقی درک کنیم، البته، کاربست نظریه استدلال به عنوان یکی از ابزارهای تحلیلی در مجموعه‌ابزار به خدمت گرفتاشده در رویکرد گفتمانی-تاریخی (نک: مزینانی، ۱۳۹۶؛ مزینانی و همکاران، ۱۳۹۷) به چشم می‌خورد؛ اما به دو دلیل (الف) اینکه کاربرد نظریه استدلال آنچنان گسترده است که می‌توان از آن به عنوان یک جعبه‌ابزار کامل استفاده کرد، و (ب) اینکه به نظر می‌رسد تاکنون روش تحقیقی تدوین نشده است که خاص کاربست نظریه‌های استدلال باشد، در این مقاله این هدف دنبال می‌شود که برای کاربرد مدل استدلال تولمین در حوزه‌های زبان‌شناختی پیش‌گفته و تحلیل نمونه‌منتهایی بر اساس آن، روش تحقیق مدونی پیشنهاد شود. بنابراین، سؤال اصلی این پژوهش بدین شرح است:

- برای طراحی روش تحقیق تحلیلی بر مبنای مدل استدلال تولمین و بهره‌گیری هرچه بیشتر از ظرفیت آن، چه می‌توان کرد؟

استقн ای. تولمین که یکی از مشهورترین و کارآمدترین نظریه‌های استدلال را ارائه کرده فیلسوف تحصیل‌کرده در کمبریج، دانشجوی ویتگشتاین، و تأثیرگذارترین نظریه‌پرداز در این حوزه است (See Ronald, 2006). در مدل این فیلسوف که در بخش بعدی تشریح خواهد شد، هر استدلال دارای ۶ مؤلفه است. سؤال فوق با این فرض دنبال شد که با طرح چند سؤال پژوهشی متن‌کاوانه مبنی بر شناسایی مؤلفه‌های شش‌گانه این مدل و تحلیل مناسب با هر کدام (که از تحلیل صحت و سقم داده‌ها تا شناخت حوزه طرح دعاوی و برهان‌ها را در بر می‌گیرد) می‌توان به روش تحقیق مدونی دست یافت.

۲. پیشینهٔ پژوهش

در دیدگاه ستی، غالباً منطق کلاسیک به عنوان روش استدلال به خدمت گرفته می‌شود تا نتیجه مد نظر به صورت منطقی از مقدمه حاصل شود؛ اما در این صورت، سؤال مطرح این است که

اگر مفروضات مقدمه بیش از یک مورد باشد و با هم همخوان و سازگار نباشند، به لحاظ منطقی، درنهایت می‌توان به هر نتیجه‌ای، هرچند ناپایدار، رسید. در طول تاریخ فلسفه، این چالش، محققان و فیلسوفان بسیاری را برآن داشته است که در این زمینه نظریه‌پردازی کنند. تولمین نشان می‌دهد که حتی یک مدل ساده مباحثه نیز می‌تواند روش‌های مبنای استدلال-ورزی را در خود داشته باشد؛ به نحوی که ادعای طرح شده موجه، قانع‌کننده و مقاوم در برابر انتقاد باشد. مدل استدلال شش‌بخشی که ابتدا در سال ۱۹۵۸ در کتاب کاربردهای استدلال او (See Toulmin, 2003 : 87-95) طرح و معروف شده است، سه شاخه‌ای اصلی و سه شاخه‌ای فرعی دارد:

- (۱) **یک ادعا**: نتیجه‌هایی که روایی و اعتبار آن‌ها مورد بحث است;
- (۲) **داده‌ها**: اطلاعات، شواهد و حقایقی که به عنوان پایه‌ها و اساس هر ادعا به آن‌ها استناد می‌شود؛

(۳) **برهان**: گزاره‌های مفروض، منطقی و بعض‌اً ضمنی که بین داده‌ها و ادعا پل می‌زنند. احکام و گزاره‌های عقلی، نظری، قانونی، و یا تجربی را می‌توان به عنوان برهان و مستندات ادعا تلقی کرد؛

چنان‌که گفتیم، این سه عنصر اساسی یعنی «ادعا»، «داده» و «برهان» به عنوان اجزای اساسی استدلال‌های عملی در نظر گرفته می‌شوند؛ درحالی که سه مؤلفهٔ تکمیلی دیگر نیز به شرح زیر ممکن است در برخی از استدلال‌ها به کار رفته و احتمالاً سبب افزایش ظرفیت اقتاعی آن‌ها شوند:

- (۴) **پشتونه**: حقایق دیگری که در حمایت از برهان بیان می‌شود؛ به دیگر سخن، گزاره‌های معتبری که برهان به واسطه آن‌ها قدرت اقتاعی بیشتری می‌یابد، پشتونه نام دارند. پشتونه هنگامی اهمیت می‌یابد که برهان به اندازه کافی برای خوانندگان یا شنوندگان قانع‌کننده نیست.
- (۵) **ردیه یا نقیض**: به داده‌هایی که به سبب آن برهان اصلی تضعیف و ادعا رد می‌شود نقیض یا ردیه گویند.

(۶) **شاخص‌های قطعیت**: این‌ها واژه‌ها یا عباراتی در کلام گوینده هستند که میزان درجه اطمینان، اعتماد، یا تضمین او نسبت به دعاوی مطرح را نشان می‌دهند. چنین کلمات یا عبارات عبارت‌اند از «حتماً»، «احتمالاً»، «غیرممکن»، «قطعاً»، «شاید»، «تا آنجا که به شواهد دسترسی

داریم» و یا «لزوماً».

ذیل‌اً، این مؤلفه‌ها با متن محقق‌ساختهٔ زیر نشان داده می‌شوند:

«نهادهای ذی‌صلاح باید قربانی کردن حیوانات در آزمایش‌های مربوط به لوازم آرایشی را ممنوع کنند [ادعا]. در این آزمایش‌ها حیوانات شکنجه و یا کشته می‌شوند [داده]. درواقع، هیچ ضرورتی در این زمینه دیده نمی‌شود که این کار را توجیه کند [برهان ۱]. سلامت و زندگی حیوانات مهمتر از سود صنایع آرایشی است [برهان ۲]. از طرفی، انسان از زنده بودن برخی از حیوانات بهره‌بیشتری می‌برد [برهان ۳]. البته، گمان می‌کنم انجام این آزمایش‌ها در سایر حیطه‌ها مانند آزمایش‌های دارویی تا حدی لازم است [شاخص]. چون ممنوعیت تام باعث کند شدن روند پیشرفت پزشکی و راه حل‌های درمانی می‌شود [نقیض]».

در چارچوب مدل تولمین، نویسنده در آغاز متن فوق ادعایی در باب ممنوعیت آزمایش روی حیوان درخصوص تقویت صنعت لوازم آرایشی طرح می‌کند. وی پس از طرح این ادعا به داده یا حقیقتی مبنی بر شکنجه و مرگ حیوانات در آزمایش‌ها اشاره می‌کند و برای توجیه ادعای خود از برهان‌های عقلی «ضرورت» و «سلامت و زندگی حیوانات مهمتر از سود صنایع آرایشی است» استفاده می‌کند. این نویسنده به این برهان‌های عقلی بسندن نمی‌کند و برهان تجربی «انسان از زنده بودن برخی از حیوانات بهره‌بیشتری می‌برد» را به عنوان پشتونه به خدمت می‌گیرد. از طرفی، این نویسنده با طرح یک شاخص و نقیض ادعای خود و برهان ۲ را تعديل و ابراز می‌کند که با ممنوعیت تام آزمایش‌های حیوانی مخالف است.

چنان‌که در مقدمه هم به آن اشاره شد، رویکرد گفتمانی - تاریخی که عمدتاً به قلم ووداک تدوین و گسترش یافته است، نظریه بافت، نظریه استدلال (ستنی) و مجموعه پنج استراتژی گفتمانی، یعنی استراتژی اسناد، استراتژی ارجاع، استراتژی استدلال ورزی، استراتژی دیدگاه-سازی و استراتژی تشدید/تحفیف را در جعبه‌ابزار خود دارد. در این رابطه، مزینانی (۱۳۹۶) می‌نویسد که اصطلاح استراتژی در رویکرد ووداک اصطلاح عامی است که سایر واژگان نحصصی مصطلح در حوزهٔ تحلیل گفتمان و کاربردشناسی زبان نظری کنش گفتار، کنش حفظ/ تهدید وجهه، قطعیت و وجهیت را در برمی‌گیرد. این پژوهشگر معتقد است که تحلیل قطعیت در چارچوب دستور نظام‌مند نقش‌گرا در دل استراتژی اسناد ووداک قرار می‌گیرد و نظریه ادب را نیز می‌توان بخشی از استراتژی تشدید/تحفیف قلمداد کرد (همان: ۷۹). از طرفی، شاخص‌های

قطعیت در مدل تولمین نیز در بطن همین استراتژی قرار می‌گیرند.

در این رویکرد تحلیلی - انتقادی، نظریه استدلال در دل استراتژی استدلال ورزی قرار دارد.

طبق این نظریه، ادعاهای مطرح در یک متن یا گفته از یکسو، و اشارات، برهان‌ها و مواضع عقلی مشهود در متن که جهت مشروع‌سازی یا سلب مشروعیت از آن‌ها به کاررفته‌اند، شناسایی می‌شوند (Wodak, 2001: 74).

مدل تحلیل گفتمان موضوعی نیز روش تحقیق دیگری است که در رساله دکتری مزینانی (۱۳۹۶) تدوین و در مقاله مزینانی و همکاران (۱۳۹۷) معرفی شده است. مزینانی با هدف بسط و تعمیم اهداف و فلسفه کاربردی رویکرد تفسیر موضوعی شهید صدر (نک. صدر، ۱۴۲۸؛ قاسمپور و نظریگی، ۱۳۹۲؛ اکبری و همکاران، ۱۳۹۳) از حوزه متون مذهبی به حوزه متون غیرمذهبی از جمله ادبی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره، اهداف نظری و مراحل عملی تفسیر شهید صدر را با جعبه ابزار تحلیل ووداک از جمله نظریه استدلال تلفیق می‌کند و مدل مذکور را جهت تدوین «آرمان‌نامه‌های موضوعی» ارائه می‌دهد.

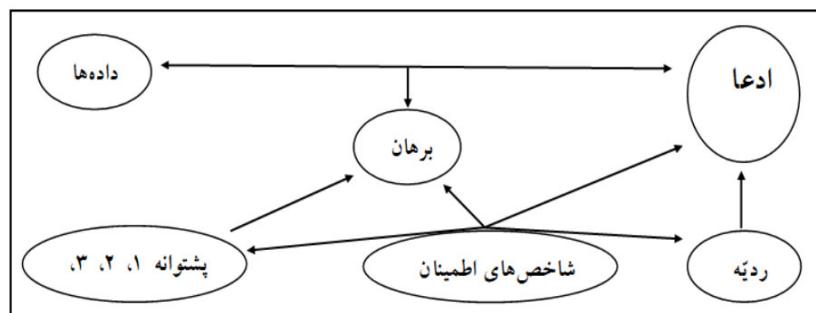
۳. روش تحقیق پیشنهادی این مقاله

تولمین که درابتدا نظریه استدلال خود را برای تقویت دعاوی و دفاعیه‌ها در دادگاه طرح کرده بود، پس از یکی دو دهه به کاربرد آن در سایر حوزه‌ها بالاخص تحلیل گفتمان نیز پی برد و در یکی از نوشتۀای خود به آن اشاره کرد. آراء تولمین نه تنها از ناخشنودی وی از مطلق‌گرایی^{۱۰} - به عنوان دیدگاه معرفت‌شناختی بنیادگرایان هم‌عصر با او - سرچشمه می‌گیرد، بلکه همزمان از تعارض افکار وی با بینش نسبی‌گرایی^{۱۱} نیز زاده شده‌است. این بینش را می‌توان به عنوان یکی از دیدگاه‌های افراطی معرفت‌شناسی لحاظ کرد که در طیف مقابل مطلق‌گرایی است. تولمین رویکرد نوینی را به عنوان سومین گزینه، یعنی نه مطلق‌گرا و نه نسبی‌گرا، در تبیین و ملاحظه چنین مسائلی معرفی کرد که بحث و جدل^{۱۲} را به عنوان مفهومی مرکزی در نظر می‌گیرد که با لحاظ آن، دلیل‌آوری و عقلانیت^{۱۳} را می‌توان درک کرد.

تولمین برای اینکه دیدگاه خود را درباره زندگی روزمره و رد مطلق‌گرایی، البته بدون باور به نسبی‌گرایی، تبیین کند، مفهوم حوزه‌های بحث^{۱۴} را معرفی کرده است؛ وی بر این باور است

که برخی از جنبه‌های استدلال از حوزه به حوزه متفاوت است و از این رو، به عنوان «زمینه-وابسته»^{۱۰} نامیده می‌شوند؛ در حالی که جنبه‌های دیگر استدلال در تمام حوزه‌ها و زمینه‌ها یکسان بوده و کاربرد دارند و از این رو نام «زمینه‌مستقل»^{۱۱} به آن‌ها گفته می‌شود (See Toulmin, 2003: 33-37).

در همین زمینه، این فیلسوف در اثری دیگر بیان می‌کند که انسان‌شناسان و سوسسه شده‌اند تا در کنار نسبی‌گرایان قرار گیرند؛ زیرا آن‌ها تأثیر تغییرات فرهنگی بر استدلال‌های منطقی را برک کرده و پذیرفته‌اند؛ به عبارت دیگر، انسان‌شناسان نسبی‌گرا، اهمیت جنبه‌های زمینه‌وابسته استدلال را بیش از حد مورد توجه قرار داده و عناصر زمینه‌مستقل را نادیده گرفته‌اند (Toulmin, 1972). تولمین در طول کار خود ضمن ارائه راه حل‌هایی برای مشکلات مطلق-گرایی و نسبی‌گرایی تلاش می‌کند تا استانداردهایی برای ارزیابی ارزش ایده‌ها بسط دهد که نه مطلق‌اند و نه نسبی‌گرایانه.



نمودار ۱: بازنمون روابط حاکم بین مؤلفه‌های استدلال تولمین

Figure 1: The relationship between the components of Toulminian argumentation

با توجه به آراء تولمین، به گمان نگارندگان، نمودار ۱ بازنمای روابط حاکم بین مؤلفه‌های مدل استدلال این فیلسوف است، و اهداف و سؤالات پژوهشی زیر نیز بر این اساس طرح می‌گردد:

- اهداف پژوهشی پیشنهادی:

شناسایی دعاوی و برهان‌هان مطرح در متن منتخب، یا به عبارتی، واکاوی سبک غالب استدلال‌ورزی نویسنده، خطیب، وکیل، یا شاعر منتخب در چارچوب مؤلفه‌های مدل تولمین به عنوان هدف کلی تعیین می‌شود که خود به اهداف خرد زیر قابل تجزیه است:

(الف) شناسایی و درک دعاوی صریح یا ضمنی، زمینه مختلف این دعاوی، و اهداف خالق متن از طرح آن‌ها در بافت متنی؛ (ب) شناسایی مقدمه‌ها و مفروضاتی که مبتنی بر آن‌ها نتیجه‌گیری و طرح دعوی شده است؛ (ج) شناسایی و کشف برهان‌ها و پشتونه‌های صریح و ضمنی اعم از عقلی و نقلی و غیرهم که جهت اثبات مواضع و دعاوی شعرای منتخب از زبان شخصیت‌های ساخته و پرداخته آن‌ها مطرح شده است؛ (د) کشف مغالطه‌ها و سفسطه‌هایی احتمالی که نویسنده به کار برد است؛ و (ه) بررسی میزان قطعیت دعاوی، برهان‌ها، شواهد و اطلاعات خالق اثر با واکاوی شاخص‌های قطعیت.

• سؤالات پژوهشی پیشنهادی:

از آنجا که پژوهش‌های سبک‌شناختی و تحلیل گفتمانی بنیادی ایدئولوژیک دارد، یعنی در اصل بر کشف ایدئولوژی خالق متن مبتنی است، سؤالات پژوهشی زیر خالق‌محور طرح شده است:

- ۱) خالق متن چه ادعاهایی دارد و آن‌ها را در چه زمینه‌هایی طرح کرده است؟
 - ۲) خالق متن از چه برهان‌ها و پشتونه‌هایی (عقلی، قانونی، نقلی، تجربی و ...) برای اقناع مخاطب و اثبات دعاوی خود استفاده کرده است؟
 - ۳) بررسی شاخص‌های قطعیت مطرح در کلام خالق متن چه نتیجه‌ای در بر دارد؟
 - ۴) خالق متن برای اینکه شنونده یا خواننده رابطه ادعا و برهان مطرح را درک کند، چه مفروضات یا داده‌های ارائه کرده است؟ آیا این داده‌ها کافی و مرتبط هستند؟
 - ۵) تحلیلگر متخصص در برابر دعاوی خالق اثر چه نقیض یا ردیه‌ای می‌تواند ارائه دهد؟ به عبارت دیگر، ثبات دعاوی مطرح تا چه حد است؟
- در بخش پیش رو، مبتنی بر این اهداف و سؤالات، چند متن از گونه‌های زبانی مختلف - حقوقی، شعری، و سخزرانی - با روش توصیفی - تحلیلی واکاوی شده و مؤلفه‌های استدلالی به کار رفته در آن‌ها شناسایی خواهد شد.

۴. بحث، بررسی و تحلیل متون نمونه

تولمین، خلاف اسلاف خود به‌ویژه کوهن که فرایند تغییر ادراکی^{۱۷} را انقلابی^{۱۸} دانسته‌اند (یعنی پارادایم‌ها با هم رقابت می‌کنند و جایگزین هم می‌شوند) آن را تکاملی^{۱۹} می‌داند و ویژگی‌های نوآوری و گزینش برای آن قائل است (Toulmin, 1972). بنابراین، مؤلفه‌های مختلف سبک استدلال‌ورزی یک نویسنده یا گوینده اعم از شناسایی نوآوری‌ها و گزینش‌های آن‌ها در طرح دعاوی، زمینه‌های دعاوی، و برهان‌های مختلف عقلی، نقلي، قانوني، عرفی و غيره که در دفاع از دعاوی خود و قناع مخاطب به‌كار برده‌اند، برای شناسایی سبک غالب وی در اولویت واکاوی قرار می‌گيرند.

در اين چارچوب، چند بيت آغازين از شعر «فرشته انس» سروده پروين اعتصامي يكى از

نمونه گفتمان‌های منتخب اين مقاله است که تحلیل خواهد شد:

در آن سرای که زن نیست، انس و شفقت نیست (ادعای ۱)

در آن وجود که دل مرده، مرده است روان (داده ۱)

به هیچ مبحث و دیباچه‌ای، قضا ننوشت،

برای مرد کمال و برای زن نقصان (داده ۲)

زن از نخست بود رکن خانه هستی (ادعای ۲)

که ساخت خانه بی پای بست و بی‌بنیان (داده ۳)

زن از به راه متعات نمی‌گداخت چو شمع

نمی‌شناخت کس اين راه تيره را پايان (ادعای ۳)

چو مهر، گر که نمی‌تأفت زن به کوه وجود

نداشت گوهری عشق، گوهر اندر کان (ادعای ۴)

فرشته بود زن، آن ساعتی که چهره نمود

فرشته بین، که برو طعنه میزند شیطان (داده ۴)

اگر فلاطن و سقراط، بوده‌اند بزرگ،

بزرگ بوده پرستار خردی ایشان (برهان)

به گاهواره مادر، به کودکی بس خفت

سپس به مکتب حکمت، حکیم شد لقمان (برهان پشتوانه)

چه پهلوان و چه سالک، چه زاهد و چه فقیه
شدند یکسره، شاگرد این دبیرستان (برهان پشتوانه)

حدیث مهر، کجا خواند طفل بی مادر
نظام و امن، کجا یافت ملک بی سلطان (برهان پشتوانه)

اعتصامی در ابیات فوق چند ادعا در شأن و مقام زن طرح و سپس تلاش می‌کند با برهان-
های عقلی/تجربی از دعاوی خود دفاع کند. البته پروین در این مثال، قبل از بیان برهان‌ها، از
بیان چند داده حقیقی نیز بهره برده است. حوزه یا زمینه طرح دعاوی وی را می‌توان فرهنگی/
اجتماعی دانست. در این چند بیت ردپایی از ردیه، و شاخص‌های تضعیف قطعیت مشاهده نمی-
شود که خود حاکی از باور عمیق شاعر به گفته‌ها و دعاوی خویش است.

در ادامه، به کاربرد این روش تحقیق پیشنهادی در زبان‌شناسی حقوقی می‌پردازیم که به-
نظر می‌رسد متون مرتبط با آن، مهمترین کانون و موضوع روش تحقیق پیشنهادی این مقاله
باشد؛ زیرا «زبان حقوقی» که ابزار برقراری ارتباط در حوزه حقوق و ضامن اجرای قانون است،
همواره برای غیرحقوقدانان درکنشدنی بوده است، به‌طوری که زبان‌شناسان اروپایی سبک
زبان حقوقی^{۲۰} را گوییشی مجزا تلقی می‌کنند (آقاگلزاده و همکاران، ۱۳۸۹). درواقع، زبان-
شناسی حقوقی، رویکردی نوین در حوزه زبان‌شناسی کاربردی به‌شمار می‌رود (آقاگلزاده،
۱۳۸۴).

با توجه به اهمیت متون حقوقی به‌ویژه درخواست‌هایی که خطاب به قاضی نوشته می‌شود،
یک لایحه دفاعی به عنوان نمونه تحلیل خواهد شد. این درخواست که از سایت تبلیغی - آموزشی
«کانون وکلای دادگستری مرکز»^{۲۱} اقتباس شده است، لایحه دفاعی یک وکیل دادگستری را
نشان می‌دهد که از اتهام استفاده غیرقانونی موکل خود از آثار و تألیف‌های شاکی دفاع کرده
است:

ریاست محترم دادگاه تجدیدنظر استان

با عرض ادب و تحييت

در مقام اعتراض به دادنامه شماره که در تاریخ ۹۰/۱۲/۲۲ ابلاغ گردیده عرایض

به شرح ذیل به استحضار می‌رساند بذل عنايت را تقاضا دارد:

در خصوص اتهام موکل آقای مبنی بر استفاده [داده ۱] از اثر مورد حمایت قانون [داده ۲] که مستند به ماده ۲۳ قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان تحت تعقیب قرار گرفته [ادعای شاکی] معروض می‌دارد به موجب ماده قانونی یادشده که اشعار می‌دارد «استفاده، نشر، پخش یا عرضه اثر دیگری به شرط آنکه عالماً و عامداً [شاخص ۱] انجام شده باشد جرم است» [برهان قانونی]، در پرونده حاضر موکل بدون آنکه اطلاع داشته باشد عکس‌های مورد استفاده در مجله تبلیغاتی اثر ثبت شده و مشمول حمایت این قانون است به ناشر آن سفارش چاپ تبلیغات را داده است [داده ۳].

البته ذکر این مهم ضروری است که عکس‌ها نه توسط موکل بلکه توسط اشخاص دیگر به ایشان پیشنهاد و با موافقت وی نسبت به انتشار آن اقدام شده است [داده ۴].

بنابراین عنایت دارید احراز آنکه موکل از ثبت اثر مطلع بوده یا حتی کیفیت اثر به گونه‌ای بوده که موضوع ثبت و حمایت آن را تداعی می‌نماید ضروری است [پشتوانه ۱] و قانونگذار با اضافه نمودن قید علم و عمد در متن ماده قانون یادشده به این مهم تأکید داشته که لازم است مرتكب هم بداند اثر ثبت شده بوده [پشتوانه ۲] و هم از عواقب قانونی آن مطلع بوده است [پشتوانه ۳].

مضافاً اینکه ملاحظه و مذاقه در متن ماده ۲۳ و تعیین مجازات ۶ ماه تا سه سال حبس برای ارتکاب چنین جرمی [داده ۵]، اراده قوی قانونگذار را مبنی بر احراز علم و عمد توسط مرتكب نشان می‌دهد [پشتوانه ۴] و بدیهی است هدف قانونگذار اعمال مجازات شدیدی برای جرمی که یکی از ارکان تحقق آن علم و عمد مرتكب می‌باشد بوده و نه کسی که بدون علم و عمل و فقدان سوء نیت عملی را مرتكب شده است [پشتوانه ۵].

بنابر عرایض فوق و از آنجا که موکل از کسبه و تجار قدیمی و باسابقه تهران بوده [داده ۶] و بیش از پنجاه سال سابقه فعالیت تجاری دارد [داده ۷] و در تمام این مدت فاقد هرگونه سوء پیشینه و یا حتی سوء شهرت است [داده ۸]، استدعای رسیدگی و صدور حکم برائت ایشان را دارد [ادعا یا درخواست وکیل].

در چارچوب مدل تولمین، مؤلفه‌های استدلال مشهود در لایحه دفاعیه منتخب برای وضوح بیشتر در جدول ۲ خلاصه شد و آنچه از متن دفاعیه در پاسخ به سوالات پژوهشی

پیشنهادشده برمی آید، پس از جدول ۲ به تفکیک آمده است.

جدول ۲. بازنمودن مؤلفه‌های استدلال در نمونه لایحه دفاعیه

Table 2: The representation of arguments' components in a sample of defense bill

محتوای مؤلفه	مؤلفه استدلالی	فریبن دعوی
استفاده، نشر، پخش یا عرضه اثر دیگری باشد جرم است	برهان قانونی مستند شاکی و متهم	
به شرط آنکه عالمًا و عامدًا انجام شده	شاخص قضیت ۱	
استفاده متهم از عکس‌های شاکی بدون اجازه از وی	داده ۱	
عکس‌ها در مجله‌ای منتشر شده که تحت حمایت قانون منع نشر بوده	داده ۲	
تعقیب متهم و مجازات وی	ادعا (درخواست)	
از این که مجله تحت حمایت قانون منع نشر بوده اطلاعی نداشته	داده ۳	
پیشنهاد استفاده از این عکس‌ها با شخص ثالث و موافق متهم بوده	داده ۴	
مجازات ۶ ماه تا سال حبس برای نشر غیرمحاذ آثار دیگران	داده ۵	
موکل از کسبه و تجاری قدریمی و با سابقه تهران است	داده ۶	
موکل بیش از پنجاه سال سابقه فعالیت تجاری دارد	داده ۷	
موکل قادر هرگونه سوء پیشینه و یا حتی سوء شهرت است	داده ۸	
پشتوانه ۱	ضرورت اطلاع موکل از ثبت اثر	ویتل مقدمه
پشتوانه ۲	تأکید قانون‌گذار بر لزوم علم خاطی به مجازات کمی غیرمحاذ	
پشتوانه ۳	تأکید قانون‌گذار بر لزوم علم خاطی به مجازات کمی غیرمحاذ	
پشتوانه ۴	بدیهی بودن اراده قوی قانون‌گذار مبنی بر احراز علم و عدم توسط مرتكب جرم	
پشتوانه ۵	نامتناسب بودن این مجازات با ارتکاب سهوی و تناسب آن با ارتکاب عمدی	
ادعا (درخواست)	صدر حکم برانت و رد درخواست شاکی	

• تجزیه و تشرییح محتوای دفاعیه

(الف) دفاعیه مخصوص این است که شاکی قبلًا با استناد به ماده ۲۲ قانون حمایت از مؤلفان و داده‌های ۱ و ۲، ادعای خود مبنی بر تعقیب حقوقی متشاکی و مجازات وی را خواستار بوده است. ظاهرآ، رأی اولیه نیز به نفع شاکی صادر شده است.

(ب) ماده ۲۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، برهانی قانونی محسوب می-

شود که طرفین دعوی به آن استناد کرده‌اند. در این ماده قانونی، شاخصی وجود دارد که تعقیب و مجازات خاطی را مشروط به ارتکاب عالمانه و عامدانه نشر غیرمجاز می‌کند.

اینک، به شرح و تحلیل مطالبی می‌پردازیم که در متن دفاع وکیل از متهم حاضر است:

ج) با مرور اجمالی این درخواست این نکته برجسته مشاهده می‌شود که وکیل متهم، شاخص قطعیت مشهود در برهان قانونی طرفین یعنی شرط ارتکاب عالمانه و عامدانه را مستمسک و مستند اصلی خود قرار داده، و ادعا یا درخواست برائت موکل خود را خواستار شده است. درخواست وکیل، به نوعی، ردیه بر ادعای شاکی نیز محسوب می‌شود.

د) وکیل از ۶ داده از جنس حسی - تجربی، یعنی داده‌های ۳ تا ۸، استفاده کرده است، و این داده‌ها تماماً حول این محورند که به قاضی بقبولاند شرط مذکور در این برهان درباره موکل صادق نیست.

ه) در این درخواست، وکیل ۵ پشتوانه از جنس وجودی / عقلی بیان کرده که همه آن‌ها، به طریقی، شاخص قطعیت برهان را هدف قرار داده‌اند: ۱) احراز اطلاع موکل ضروری است؛ ۲) لازم است مرتكب از ثبت قانونی اثر مطلع بوده باشد؛ ۳) لازم است مرتكب از میزان مجازات جرم مطلع باشد؛ ۴) قانونگذار بر احراز علم و عمد تأکید کرده است؛ ۵) میزان مجازات با ارتکاب سهوی نامناسب است. هدف قرار دادن این شاخص قطعیت از جهات مختلف ذهن و وجودان قاضی را با این سؤال مواجه می‌کند که چه دلیل مکمل‌پسندی دارد تا ارتکاب عالمانه و عامدانه را اثبات کند؟

با توجه به مندرجات فوق، در ادامه، به تحلیل گفتمانی این مسئله می‌پردازیم که در این درخواست دفاعی چه مطالبی به نظر غایب می‌رسد:

و) در داده‌ایی که وکیل ارائه کرده است، اثرباری از شاخص‌های قطعیت مبنی بر پوشیده‌گویی، عناصر دال بر شک و تردید و نظیر این‌ها مشاهده نمی‌شود، در عوض، در داده ۸ از شاخص فراگیر «هرگونه» پیش از «سوء پیشینه» استفاده شده است. این مورد نقطه قوت این دفاعیه محسوب می‌شود.

ز) به نظر می‌رسد یا برهان قانونی دیگری - غیر از شرط مذکور در ماده ۲۳ - که وکیل می‌توانسته از آن به عنوان پشتوانه استفاده کند وجود نداشته، و یا از آن بی‌خبر بوده است.

ح) در این دفاعیه آن طور که باید و شاید از سایر مستندات و برهان‌های عقلی، تجربی،

عرفی، نقی، و ... در مقام پشتوناه استفاده نشده است. بهنظر می‌رسد در برخی از دفاعیه‌ها ناکامی وکیل در بیان برهان‌های متنوع و مختلف را بتوان ضعف بزرگی محسوب کرد. در ادامه با تحلیل بررشی از سخنرانی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور وقت امریکا به این مبحث پایان می‌دهیم که در دوره تبلیغات نامزدهای ریاست جمهوری ایالات متحده قبل از انتخابات در تاریخ ۲۷ آوریل ۲۰۱۶ درباره سیاست خارجی کشورش ایراد کرده است:^{۲۲}

«...من می‌خواهم امروز درباره چگونگی ایجاد سیاست خارجی جدید برای کشورمان صحبت کنم [داده ۱]. سیاستی که هدف‌گرایی را به جای اقدام تصادفی، استراتژی را به جای ایدئولوژی و صلح را به جای هرج و مرج خواهد نشاند [ادعای ۱]. ... وقت آن است که صداها و دیدگاه‌های جدید را به کار بندیم [ادعای ۲].

... مسیری که من می‌خواهم امروز در پیش کیرم، ما را به یک اصل بدون تاریخ‌صرف بازمی‌گرداند [ادعای ۳]. سیاست خارجی من همیشه منافع مردم امریکا و امنیت امریکا را بالاتر از همه چیز قرار خواهد داد [ادعای ۴]. باید اول باشد [برهان عقلی/هیجانی ۱] باید باشد [شاخص قطعیت]. ... برای به تصویر کشیدن مسیر پیش رو، ما ابتدا باید به گذشته تکاهی اجمالی بیندازیم [داده ۲]. ما خیلی کارها کرده‌ایم [ادعای ۵] که باید [شاخص] به آن افتخار کنیم [ادعای ۷].

در دهه ۱۹۴۰ ما جهان را نجات دادیم [ادعای ۸]. بزرگترین نسل (ما) نازی‌ها و امپریالیست‌های ژاپنی را به عقب راند [ادعای ۹]. سپس دوباره دنیا را نجات دادیم و این بار، از (خط) توپالیتاریسم و کمونیسم [ادعای ۱۰]. جنگ سرد چند دهه طول کشید [داده ۱]. اما، حدس بزنید چه شد! ما برندۀ شدیم و کار بزرگی کردیم [ادعای ۱۱]. دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان با همکاری همدیگر آقای گورباجف را وادار کردند به سخنان رئیس‌جمهور ریگان، رئیس‌جمهور بزرگ ما، اعتمنا کند [ادعای ۱۲]. وقتی که او گفت، این دیوار را فرو بریزید [داده ۲].

تاریخ کاری که او کرد را فراموش نخواهد کرد [ادعای ۱۳]. یک مرد بسیار ویژه و رئیس جمهور [داده ۱۴]. متأسفانه، پس از جنگ سرد، سیاست خارجی ما به طرز بدی تغییر مسیر داد [ادعای ۱۵]. ما در خلق بینش نو برای زمان نو ناکام ماندیم [ادعای ۱۵]. در حقیقت

[شاخص] با گذشت زمان، سیاست خارجی ما به ترتیج بی معناتر شد [ادعای ۱۶]. منطق با حماقت و غرور جایگزین شد، که به فجایع سیاست خارجی یکی پس از دیگری منجر شد [ادعای ۱۷].

آن‌ها فقط می‌آیند و می‌آیند [ادعای ۱۸]. ما به اشتباه [شاخص] به عراق و از آنجا به مصر و به لیبی، و پس از این‌ها، با سیاست رئیس‌جمهور اوباما به شن‌زار سوریه رفتیم [داده ۴]. هر یک از این اقدامات در این سهم دارد که این منطقه را به هرج و مرج بکشاند [ادعای ۱۹] و به داعش فضای لازم برای رشد و شکوفایی بدهد [ادعای ۲۰]. خیلی بد. همه این‌ها با یک ایدهٔ خطرناک آغاز شد که ما می‌توانیم [شاخص] دموکراسی‌های غربی را در کشورهایی پیاده کنیم که هیچ تجربه یا علاقه‌ای به تبدیل شدن به یک دموکراسی غربی نداشتند [داده ۵].

ما هر [شاخص] نهادی که داشتند در هم شکستیم [ادعای ۲۱] و سپس، شکفت‌زده شدیم از آنچه که به راه انداختیم [ادعای ۲۲]. جنگ داخلی، تعلق مذهبی؛ فقط هزاران امریکایی کشته شدند، چه زندگی‌ها، زندگی‌هایی، هدر رفت! و وحشیانه هدر رفت [داده ۶]. در نتیجهٔ تریلیون‌ها دلار از دست رفت [ادعای ۲۳]. این خلاً ایجادشده را داعش پر کرد [ادعای ۲۴]. ایران نیز به سرعت از آن به نفع غنی‌سازی غیرمنصفانه‌اش استفاده کرد [ادعای ۲۵].

متأسفانه، آن‌ها خیلی سود بردند، به دلیل (سیاست) ما [ادعای ۲۶]. سیاست خارجی ما یک فاجعهٔ کامل و مطلق است [ادعای ۲۷]. نه بینش! نه هدف! نه مسیر! نه استراتژی! [ادعای ۲۸] امروز من می‌خواهم پنج ضعف عده در سیاست خارجی‌مان را بر شمارم [ادعای ۲۹] ... آخرين ضعف، ... اقدامات ما در عراق، لیبی و سوریه کمک کرد تا داعش رها و افسارگسیخته شود [ادعای ۳۰]، ...»

اگرچه تعیین نتایج تحلیل بخشی از یک سخنرانی به کل آن، ارزش استنادی ندارد؛ اما این مسئله با توجه به هدف این مقاله قابل توجیه است و از ارزش آموزشی/پژوهشی آن چیزی کم نمی‌کند. به هر حال، با تحلیل این برش که بخش آغازین یکی از سخنرانی‌های تبلیغاتی ترامپ محسوب می‌شود، به سؤالات پژوهشی مطرح در بخش روش تحقیق پاسخ می‌دهیم: پاسخ به سؤال ۱: ترامپ در مقام نامزد انتخابات ریاست جمهوری امریکا، در این برش ۳۰

ادعا مطرح می‌کند. چنان‌که ضمن تشریح مدل تولمین گفته شد این موارد در این چارچوب ادعا محسوب می‌شوند؛ زیرا در محضر رقیب نیاز به اثبات دارند. از این دعاوی، چند مورد نخست درباره برنامه سیاست خارجی پیشنهادی وی است و مابقی به نتایج اقداماتی مربوط است که به زعم او نتیجه سیاست‌های قبلی امریکا در جهان و خاورمیانه محسوب می‌شود.

پاسخ به سؤال ۲: در مقدمه سخنرانی ترامپ فقط یک برهان از جنس عقلی / هیجانی در دفاع از ادعای تغییر در برنامه سیاست خارجی (دعاوی ۱ تا ۳) به چشم می‌خورد. از آنجا که تغییر برنامه در جهت کسب منافع و امنیت بیشتر امری بدهی است این برهان عقلی، و چون به هدف برانگیختن احساسات مخاطب ادا شده است، هیجانی تلقی شد.

پاسخ به سؤال ۳: این سخنران، هرجایی لازم داشته از شاخص‌های قطعیت به خوبی استفاده کرده است. الف) ترامپ، بر تنها برهان خود با شاخص «باید باشد» تأکید کرده است تا در مخاطب تأثیر هیجانی بیشتری ایجاد کند؛ ب) ادعای ۷ نیز با شاخص «باید» همراه شده تا ارزش صدق سخن افزون شود؛ ج) در ادعای ۱۶ نیز با شاخص «درحقیقت» بر ارزش صدق سخن تأکید شده است؛ د) ترامپ، گزاره مطرح در داده ۴ مبنی به لشکرکشی امریکا به عراق و لیبی و سوریه را با شاخص «به اشتباه» همراه می‌کند تا هم از اقدامات گذشته انتقاد کند و هم نامزد رقیب را به چالش بکشد؛ ه) این سخنران با طرح شاخص «می‌توانیم» در داده ۸ مبنی بر دلیل سیاست خارجی گذشته، درواقع، در بافت کلام به مخاطب القا می‌کند که «درنهایت نتوانستیم» و بدین‌ترتیب برنامه‌های نامزد رقیب را که از کارگزاران دولت قبل به شمار می‌آید، ضعیف و ناتوان معرفی می‌کند.

پاسخ به سؤال ۴: ترامپ برای دفاع از دعاوی خود، نه تنها داده‌ها و حقایق کافی مطرح نکرده است، بلکه درباره صحت برخی از داده‌هایی که مطرح کرده نیز می‌توان تردید کرد.

پاسخ به سؤال ۵: تحلیلگران سیاسی متخصص که به اسناد و مدارک و آمار دسترسی دارند ممکن است بتوانند داده‌ها و دعاوی ترامپ را رد کنند. از ۳۷ مورد نشان‌گذاری شده از سوی نگارنده ۲۰ مورد ادعا، ۶ مورد داده، و تنها ۱ مورد برهان به چشم می‌خورد. به دیگر سخن، قریب به ۸۱ درصد از سخنان ترامپ در این برش، بیشتر ادعاهایی هستند که در باب ناکارآمدی سیاست‌های امریکا طرح شده‌اند.

البته، طرح یکی دو ادعا از جانب ترامپ به نظر درست می‌رسد! به لحاظ کاربردشناختی،

ادعاهای ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۶، و ۳۰ تراپ دارای تلویح‌ها و پیشانگاشتهایی مبنی بر روی کار آوردن و جولان دادن به داعش است؛ تروریست‌هایی که گویا صرفاً به هدف اسلام‌هراسی اجیر شده‌اند. در مجموع، با سخنرانی پرادعاً مواجه هستیم که در سبک او استفاده از برهان و داده‌های حقیقی جای چندانی ندارد. در عوض، طرح سلسله‌وار ادعاهایی را شاهد هستیم که بسیار زیرکانه در قالب داده‌ها و وقایع حقیقی طرح شده است بدون اینکه از دیدگاه رقیب پشتونهای داشته باشد.

۵. نتیجه

مباحثه استدلالی در رایج‌ترین شکل آن، شامل یک فرد حامی و یک فرد مخالف درگیر در گفت-و-گوست که تلاش می‌کنند بر دیگری فائق آیند. این فرایند، معمولاً، با طرح داده‌هایی درست یا غلط آغاز می‌شود، و با ارائه دلیل و برهان اوج می‌گیرد و به نتیجه‌گیری یا ادعا، ختم می‌شود. تولمین با ملاحظه این فرایند استدلالی و مذاقه در نظریه‌پردازی فلاسفه نسبی‌گرا و مطلق‌گرا در این خصوص، به ارائه مدلی شش مؤلفه‌ای دست یازید که از برخی جنبه‌ها مطلق‌گرا و از برخی دیگر نسبی‌گرایانه است.

در مدل تولمین، استدلال دارای اجزای (۱) ادعا، (۲) برهان، (۳) داده‌های حقیقی، (۴) شاخص-های قطعیت، (۵) پشتونه، و (۶) ردیه است. که سه مورد اول، لازم، و سه جزء آخر، اختیاری‌اند. با گذر زمان، زمزمه‌های ظرفیت کاربرد این مدل در مسائل زبان‌شناسی و تحلیل گفتمانی شنیده شد. در همین راستا، با توجه به فقدان روش تحقیقی سامان‌یافته در این زمینه، در پژوهش حاضر با طراحی چند هدف و سؤال پژوهشی بر اساس این مدل، روش تحقیق مدونی پیشنهاد شد تا بتوان از توان تحلیلی این مدل در حوزه‌های سبک‌شناسی، زبان‌شناسی حقوقی و تحلیل گفتمان بهره گرفت.

طبق مدل پیشنهادی، واکاوی سبک غالب استدلال ورزی نویسنده، خطیب، وکیل، یا شاعر منتخب در اثری گزیده از وی در چارچوب مؤلفه‌های مدل تولمین به عنوان هدف کلی تعیین و با توجه به اهداف خرد سوالات پژوهشی زیر طرح شد:

(۱) خالق متن چه ادعاهایی و آن‌ها را در چه زمینه‌هایی طرح کرده است؟ (۲) خالق متن از چه برهان‌ها و پشتونه‌هایی (عقلی، قانونی، نقی، تجربی و ...) برای اقناع مخاطب و اثبات دعاوی

خود استفاده کرده است؟^۳) بررسی شاخص‌های قطعیت مطرح در کلام خالق متن چه نتیجه‌ای در بر دارد؟^۴) خالق متن برای اینکه شنونده یا خواننده رابطه ادعا و برهان مطرح را درک کند، چه مفروضات یا داده‌های ارائه کرده است؟^۵) تحلیلگر متخصص درباره دعاوی خالق اثر چه نقیض یا ردیه‌ای می‌تواند ارائه دهد؟ به عبارت دیگر، ثبات دعاوی مطرح تا چه حد است؟

کاربریست طرح تحقیق پیشنهادی نیز روی متنی از سه ژانر متنوع یعنی شعر «فرشتة انس» از اعتضامی، نمونه ای از یک لایحه دفاعی، و یکی از سخنرانی‌های سیاسی ترامپ، رئیس جمهور کنونی ایالات متحده امریکا، با روش توصیفی - تحلیلی واکاوی شده و مؤلفه‌های استدلایلی به کار رفته در آن‌ها شناسایی شد که نتایج کلی این تحلیل‌ها به شرح زیر است:

اعتضامی در شعر «فرشتة انس» چند ادعا در شأن و مقام زن با زمینه فرهنگی/اجتماعی طرح کرده است. داده‌هایی که اعتضامی در این زمینه به کار برده کاملاً ملموس و حقیقی است و با برهان‌های عقلی و تجربی بین آن‌ها و دعاوی خود پل زده است. در ابیات تحلیل شده ردپایی از ردیه، و شاخص‌های تضییغ، قطعیت مشاهده نشد که نشان از باور عمیق شاعر به گفته‌ها و دعاوی خویش بوده است.

تحلیل نمونه لایحه دفاعی نیز نتایجی در بر داشت که مجدداً به نقطه قوت و ضعف آن اشاره می‌کنیم: در داده‌هایی که وکیل ارائه کرده است، اثری از شاخص‌های قطعیت مبنی بر پوشیده‌گویی، عناصر دال بر شک و تردید و نظری این‌ها مشاهده نشد که به نوعی نقطه قوت این دفاعیه محسوب می‌شود. از طرفی، در این دفاعیه غیر از یک برهان قانونی که شاکی نیز از آن بهره برده از سایر مستندات و برهان‌های عقلی، تجربی، عرفی، نظری، و ... در مقام پشتوانه استفاده نشده است که در صورت وجود برهان(های) دیگر این کمبود، ضعف بزرگی است.

تحلیل بخشی از سخنرانی ترامپ قبل از تصدی پست ریاست جمهوری درباره سیاست خارجی امریکا نیز نتایج خاصی در بر داشت. درمجموع، در سبک ترامپ در این سخنرانی استفاده از برهان و داده‌های حقیقی جای چندانی ندارد. در عوض، طرح سلسله‌وار ادعاهایی فاقه پشتوانه را شاهد بودیم که بسیار زیرکانه در قالب داده‌ها و وقایع حقیقی طرح شده‌اند.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. Argumentation theory
2. logical reasoning

3. foundationalism
4. claim
5. data
6. warrant
7. backing
8. rebuttal
9. qualifiers
10. Absolutism
11. Relativism
12. argument
13. reasoning
14. argument fields
15. field-dependent
16. Field-independent
17. Conceptual change
18. Revolutionary
19. Evolutionary
20. Legalese
21. <http://vakilbashiri.com/articles/26548/>

۲۲. ترجمه این برش از متن سخنرانی از نگارنده اول است و متن کامل آن به زبان انگلیسی در سایت اینترنتی نشریه نیویورک تایمز موجود است.

۷. منابع

- آقالگزاده، فردوس (۱۳۸۴). «*زبان‌شناسی قضایی (حقوقی)*»: رویکردی نوین در زبان-شناسی کاربردی». *مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن زبان‌شناسی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- آقالگزاده، فردوس و همکاران (۱۳۸۹). «*تحلیل زبان‌شناختی آرای قضایی براساس الگوی خلاق*: رویکرد حوزه زبان‌شناسی حقوقی». *جستارهای زبانی*. د. ۱. ش. ۱. صص ۱۱-۲۸.
- اکبری، رضا و همکاران (۱۳۹۳). «*بازخوانی نظریه شهید صدر در تفسیر موضوعی قرآن کریم با تأکید بر اندیشه هرمنوتیکی گادامز*». *مطالعات قرآن و حدیث*. س. ۷. ش. ۲. صص ۳۷-۶۱.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۸ق). *المدرسه القرآنیه*. قم، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصی للشهید صدر.

- قاسمپور، محسن و مریم نظریبیگی (۱۳۹۲). «رهایافت روش‌شناسانه شهید صدر در موضوع نظریه قرآنی». *پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*. ش. ۳. صص ۲۶ - ۴۴.
- مزینانی، ابوالفضل (۱۳۹۶). *گفتمان‌کاوی موضوعی مدلی بر مبنای تاریخی گفتمانی و روش تفسیر قرآن کریم*. رساله دکتری منتشرشده. دانشگاه فردوسی مشهد.
- مزینانی، ابوالفضل و همکاران (۱۳۹۷). «تحلیل گفتمان موضوعی: تلفیقی از رویکرد تاریخی گفتمانی و روش تفسیر قرآن کریم». *جستارهای زبانی*. د. ۹. ش. ۳. صص ۱ - ۳۳.

References:

- Aghagolzadeh, F. (2005). "Forensic Linguistics: A New Approach to Applied Linguistics". *Proceedings of the First Conference of the Iranian Linguistics Society*. Tehran: Allameh Tabatabai University Press. [In Persian].
- , et al. (2010). "Linguistic analysis of judicial sentences based on the creative model: forensic linguistic approach". *Language Related Research*. Vol. 1. Issue 1. Pp 11-28. [In Persian].
- Akbari, R.; M. Shirzad & M. Shirzad (2015). "A Re-reading of Sadr's theory on thematic exegesis of holy Quran on the basis of Gadamer's hermeneutics. *Quran and Hadith Studies*. Vol. 7. Issue 2. Pp. 37-61. [In Persian].
- Bruce Gronbeck. (1980). "From Argument to Argumentation: Fifteen Years of Identity Crisis". Jack Rhodes and Sara Newell, (Eds) *Proceedings of the Summer Conference on Argumentation*. Pp. 68-75.
- Ghasempour, M. & M. Nazarbeygi (2013), "Shahid Sadr's methodology in Quranic doctrine". *Quranic Language and Interpretation*. Vol. 2. Issue 1. Pp. 27-44. [In Persian].
- Loui, Ronald P. (2006). "A Citation-Based Reflection on Toulmin and Argument". In Hitchcock, David; Verheij, Bart. (Eds). *Arguing on the Toulmin Model: New Essays in Argument Analysis and Evaluation*. Springer Netherlands. Pp. 31-38.

- Mazinani, A. (2017). *Designing Topic-based Discourse Analysis Model Based on Discourse-Historical Approach and the Holy Quran Exegesis: A Case Study of Distributive Justice in the Eyes of the First Imam of Shi'as*. Unpublished PhD Dissertation. Ferdowsi University of Mashhad. [In Persian].
- Mazinani, A.; A. Alizadeh & A. Azad (2017). “Topic-based discourse analysis model:A mixed discourse-historical approach and the Holy Quran thematic exegesis. *Language Related Research*. Available online at http://lrr.modares.ac.ir/article_16964.html. [In Persian].
- Reisigl, M. & R. Wodak (2009). “The Discourse-Historical Approach”. In R. Wodak & M. Meyer (Eds.), *Methods of Critical Discourse Analysis* (2nd ed. Pp. 87–121). London, UK: Sage.
- Sadr, S. M. B. (2006). *The Quranic School*. Qom: Center for the Specialized Arguments and Teachings of Shahid Sadr. [In Persian].
- Toulmin, E. (1958 [2003]). *The Uses of Argument*. 2nd edition 2003 .
- ----- (1972). *Human Understanding: The Collective Use and Evolution of Concepts* .
- Wodak, R. (2001). “The Discourse-historical Approach”. In R. Wodak. & M. Meyer (Eds.), *Methods of Critical Discourse Analysis* (Pp. 63–94). London: Sage.
- ----- (2015). “Critical Discourse Analysis, Discourse-historical Approach”. In Karen Tracy (Ed.). The *International Encyclopedia of Language and Social Interaction*, first Edition. UK: John Wiley & Sons, Inc.